



Raymond Gassin

رمون گسن

ترجمه

دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی

روابط میان پیشگیری وضعی و کنترل بزهکاری

آقای رمون گسن استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آکس - ماری
(فرانسه) است.

مشخصات این مقاله به قرار زیر است:

GASSIN (Raymond), Les relations entre la prévention Situationnelle et le
Contrôle de la Criminalité., in Revue Internationale de la Criminologie et de
Police Technique, n 3 (Juillet- Août- septembre) 1996, p. 259-271.

چکیده

مقدمه

گفتار نخست: قلمرو اجرا و اعمال پیشگیری وضعی
الف: آیا پیشگیری وضعی برای همه جرایم قابل تصور است؟

۱. آماج‌ها

۲. جرایم غیر عمدی

ب: آیا پیشگیری وضعی در قبال همه بزهکاران ممکن است؟

۱. بزهکاران نابخرد

۲. بزهکاران بس‌خردمند

گفتار دوم: کارایی پیشگیری وضعی

الف: آیا پیش وضعیت ما قبل بزهکاری رضایت بخش است؟

ب: آیا نظریه کارایی کنترل اجتماعی که پیشگیری وضعی بر آن مبتنی است درست

است؟

نتیجه‌گیری

چکیده

توسل به پیشگیری وضعی به منظور کنترل بزهکاری که بسیار باب روز است، ریشه در شکست پیشگیری اجتماعی از بزهکاری دارد. به همین جهت باید درباره میزان و ابزار تأثیر آن بر بزهکاری بالقوه از خود سؤال کرد. پیشگیری وضعی درباره همه جرایم، به لحاظ خصیصه غیرمادی آماج جرم یا ویژگی غیرعمدی عمل مجرمانه، قابل اعمال نیست. این نوع پیشگیری درباره همه بزهکاران بالقوه، به ویژه افراد نابخرد یا افراد بس خردمند، نیز ممکن نیست. بنابراین، کارایی تدابیر آن، همان طور که پدیده جابجایی و انتقال بزهکاری نشان می‌دهد، کاملاً تضمین شده و مسلم نیست. محدودیتهای این کارایی در قالب بینشی ساده‌انگارانه از مفهوم وضعیت ماقبل بزهکاری (وضعیت پیش‌جنایی) و نیز در قالب یک نظریه نادرست کارایی کنترل اجتماعی تبیین می‌شود که اهمیت «درونی گردانیدن فشار»^۲ از نظر روانی را به وسیله افراد در هنگام تعیین سلوک و رفتار آنان نادیده می‌گیرد.

*: Intériorisation de la contrainte

مقدمه

نویسندگان، به طور کلی، در مورد آنچه که باید از کنترل بزهکاری فهمید، توافق دارند. بدین ترتیب است که به عقیده موریس کوسون کنترل اجتماعی شامل «مجموع شیوه‌هایی می‌شود که اعضاء یک جامعه از طریق توسل به آنها هم‌نوایی ضروری برای زندگی مشترک را به خود تحمیل می‌کنند»،^۱ لیکن چون مفهوم هم‌نوایی به مفهوم انحراف یا حتی به مفهوم تفاوت، که از مفهوم بزهکاری موسعاً فراتر می‌رود، باز می‌گردد، بنابراین مراد از کنترل بزهکاری، به طور دقیقتر «مجموع شیوه‌هایی است که انسانها، به منظور جلوگیری یا محدود کردن جرم، اختصاصاً بکار می‌برند». ^۲ یا فقط، «پیشگیری شامل عدم ارتکاب

1. Cusson (M), *Le contrôle social du crime*, PUF, Paris., 1983, P. 20-21; Boudon (R) et Bourrica (F), *Dictionnaire critique de la sociologie*, 2e éd., PUF, Paris, p. 20; Crozier (M), *La transformation des modes de contrôle social et la crise des régulations traditionnelles*, in *La Revue Tocqueville*, vol. 11, 1980, N0 1, P. 41.

2. Cusson (M), *op. cit.*

جرایم است».^۳

با این تعریف، کنترل بزهکاری سنخ (تیپ) شناسی های مختلفی را که هر یک ارزش متفاوتی دارد، موجب شده است. جامعه شناسی ساختگرا - کارکردی، براساس تفکیک میان ساختارهای آشکار و ساختارهای نهان، کنترل اجتماعی آشکار و مشهود را از کنترل اجتماعی نهان تفکیک می کرده است.^۴ برخی دیگر از نویسندگان بین کنترل رسمی مراجع عمومی و فرا - عمومی که غایت آن در جهت این رسالت هدایت شده است و کنترل های غیررسمی که به وسیله خانواده، مدرسه، کلیساها، اطرافیان نزدیک تضمین می شود تفکیک قائل می شوند. پرمعنا ترین سنخ شناسی، از دیدگاهی که در این جا مدنظر است، آن سنخ شناسی است که کنترل سرکوبگرانه را از کنترل پیشگیرانه تمیز می دهد. کنترل سرکوبگرانه که عمدتاً فردی است به بزهکار واقعی مربوط می شود و مشتمل بر یک نظام تضمین کننده با هدف های گوناگون است (ارباب انگیزی، بازدارندگی، سزادهی، بازپروری). کنترل پیشگیرانه که دارای بُعد جمعی است، بزهکاری بالقوه را به قصد پیشگیری نشانه می رود. کنترل پیشگیرانه یک سلسله تدابیر با عنوان پیشگیری از بزهکاری را گردهم می آورد.

از سوی دیگر، «پیشگیری وضعی» را «اقدام پیشگیرانه معطوف به اوضاع و احوالی که جرایم ممکن است در آن وضع به وقوع بپیوندد»^۵ تعریف می کنند؛ یا به طور صریحتر، پیشگیری وضعی شامل «اقدام های غیرکیفری است که هدفشان جلوگیری از به فعل درآوردن اندیشه (مجرمانه)، با تغییر دادن اوضاع و احوال خاصی است که یک سلسله جرایم مشابه در آن به وقوع پیوسته یا ممکن است در آن اوضاع و

3. Cohen (A), La déviance, éd Duculot, 1971, P. 82.

4. Cohen (A), op. cit. P. 86.

5. Cusson (M) et al, La planification et l'évaluation de projets en prévention du crime, Université de Montréal, Ecole de Criminologie, Nov. 1994, P. 8.

احوال ارتکاب بیابد.^۶ با این تعریف، پیشگیری وضعی در مقابل پیشگیری اجتماعی قرار می‌گیرد؛ پیشگیری از نوع اخیر شامل مجموعه اقدامهایی است که، به طور مستقیم یا غیرمستقیم، هدفشان تأثیرگذاری بر شخصیت افراد است تا از سازمان دادن فعالیت خود حول انگیزه‌های بزهکارانه پرهیز کنند. اگرچه ماهیت پیشگیری وضعی در اصل عمدتاً عملگرا و غیرنظری است،^۷ معذک در بُعد نظری شدیداً مبتنی است بر تفکیک بین از یک سو، نظریه‌های علت‌شناختی بزهکاری که اصولاً به دنبال تبیین پدیده مجرمانه از طریق مطالعه شخصیت بزهکار است و از نظر عملی منتهی به پیشگیری اجتماعی می‌شود و از سوی دیگر، نظریه‌های عمل مجرمانه که به دنبال تبیین پدیده مجرمانه از طریق بررسی نقش تعیین کننده وضعیت ماقبل بزهکاری (وضعیت پیش‌جنایی) در گذار به عمل مجرمانه است.^۸ نظریه‌های گوناگون «مناسبت و فرصت» مانند نظریه «مدل شیوه و سبک زندگی» از هاینلانگ و سایرین،^۹ نظریه «رویکرد فعالیت‌های روزانه»^{۱۰} از کوهن و فلسون، نظریه «مناسبت‌ها و موقعیت‌ها» و نظریه «آماج‌های مجرمانه متناوب»^{۱۱} از مصادیق نظریه‌های عمل مجرمانه

6. Cusson (M), L'analyse criminologique et la prévention situationnelle, in Rev. Inter. de Criminologie et de Police Technique, 1992, NO 2, P. 140; Cusson (M) et al. , op. cit. note 4, p. 10.

7. Cala. N, (J.de) , La prévention situationnelle en Angleterre: fondements, Pratiques et enjeux, in Cahier de la sécurité intérieure, 1995, n0 21, p. 413-145

8. Gassin (R), Criminologie, Précis Dalloz, Paris, 30 éd. 1994, n0 770- P. 594.

9. Life _ Style model

10. Routine activity approach

۱۱. در مورد این نظریه‌ها رک: Killias (M), Précis de criminologie, 1991, p. 2 87. براساس نظریه «شیوه و سبک زندگی»، اگر بزه‌دیده بالقوه با یک بزهکار انگیزه‌دار و مصمم روبرو شود، خطر تحمل جرم و پیامدهای آن برای او بیشتر می‌شود. در نتیجه، این خطر برای اشخاصی که با بزهکاران به نوعی تماس دارند یا در محلهایی رفت‌وآمد می‌کنند که بزهکاران به

محسوب می‌شود. فرصتهای بزهکاری را عامل قاطع عمل مجرمانه وانمود کردن، مسلماً ما را برآن می‌دارد که پیشگیری از بزهکاری را اقدامی علیه فرصتهای جرم، به منظور حذف یا لااقل کاهش آنها، تصور کنیم. با این همه، آنچه باید مورد توجه قرار می‌گرفت انگیزه‌های بزهکاران در انتخاب راه کارهای گذار به عمل مجرمانه، به منظور خنثی کردن اثر آنها در فرآیندی که به ارتکاب عمل منتهی می‌شود، می‌بود. گرنیش و کلارک «در نظریه انتخاب عقلانی»^{۱۲} که در تضاد با نظریه‌های جبری تکوین بزهکاری است به این موضوع پرداخته‌اند. همانند «انسان اقتصادی»^{۱۳} در اقتصاد سیاسی کلاسیک و نئوکلاسیک، «انسان جنایی»^{۱۴} نیز در این نظریه، موجودی عقلانی معرفی شده است که با انگیزه جستجوی فایده از آنچه که برای او سودمند است و با برقرار کردن موازنه میان منافع و مضار عمل مجرمانه‌ای که در نظر دارد مرتکب شود، تصمیم به اقدام یا عدم اقدام می‌گیرد.

بدین طریق، شخص بازیگر (فرد بزهکار) به عنوان یک عامل



طور منظم در آنجا هستند، بیشتر می‌شود. به طور کلی خطر بزه‌دیده واقع شدن برای جوانان که نسبت به زنان و اشخاص مسن زمان بیشتری را در خارج از خانه خود سپری می‌کنند، افزایش می‌یابد. خطر ارتکاب جرم علیه شخص، در مورد یک جوان، به طور نزدیکی، با عاداتی که عمدتاً سبک زندگی جوانان را مشخص می‌کند، مرتبط است.

«رویکرد فعالیت‌های جاری» نیز جرم، توزیع و تحول آن را تابع ساختار فرصتها و مناسبتها (اکازیون) تلقی می‌کند. به موجب این رویکرد، فرصت‌های ناشی از اوضاع و احوال مادی و فرصتهای ناشی از خود بزه‌دیدگان و رفتار آنان هر دو در به فعل درآوری اندیشه مجرمانه مهم‌اند؛ بنابراین جرایم علیه شخص زمانی ارتکاب می‌یابد که یک مباشر انگیزه‌دلر و مصمم با یک آماج جاذب که محافظت نشده است مواجه گردد. از سوی دیگر، این نوع جرم، زمانی که چنین زودروهایی در ساختار اجتماعی بیشتر می‌شود، افزایش می‌یابد، در صورتی که «نظریه شیوه و سبک زندگی» بر فرصتهای به وجود آمده از سبک زندگی بزه‌دیدگان باقوه تأکید می‌کند. م.

12. Cornish (D.B) et clarke (R), The reasoning criminal : rational choice perspectives on offending, N-Y., Springer verlage, 1986

13. L'homo Oeconomicus انسان حسابگر و منطقی

14. L'homo criminalis انسان بزهکار

ثابت با ارزش صفر قلمداد می‌شود و مناسبت‌ها و فرصت‌های جرم به عنوان متغیرهایی که اگر ارزش مثبت داشته باشند (وقتی منافع بیش از مضار است) غنیمت شمرده می‌شوند یا برعکس اگر ارزش منفی داشته باشند (وقتی مضار بیش از منافع است) نادیده گرفته می‌شوند. بنابراین هدف غایی پیشگیری وضعی عبارت از اتخاذ ترتیبی است که بهای عمل مجرمانه بیش از سود حاصل از آن گردد. کلارک، با توجه به این هدف، روشهای پیشگیری وضعی را در سه دسته طبقه بندی کرده است:^{۱۵}

۱. روشهایی که کوشش و تلاش برای ارتکاب (موفقیت آمیز) جرم را افزایش می‌دهد (حمایت و حفاظت از آماج‌ها، دشوار کردن دسترسی، هدایت مردم به مکانهای خاص، در دسترس قرار دادن کمتر آلات جرم)؛
۲. فنونی که ارتکاب جرم را پرخطر می‌کند (بازرسی ورودی‌ها و خروجی‌ها، مراقبت رسمی، مراقبت به وسیله کارکنان، مراقبت طبیعی)؛
۳. وسایلی که جذابیت موضوع جرم را کاهش می‌دهد (حذف آماج‌ها، شناسایی اموال، تقلیل دادن وسوسه‌ها، حاکم کردن قواعد خاص خنثی کننده).

حال که بدین ترتیب مفاهیم کنترل بزهکاری و پیشگیری وضعی تعریف و روشن شد، جای تردید نیست که پیشگیری وضعی روابط نزدیکی با کنترل بزهکاری دارد، زیرا پیشگیری وضعی با پیشگیری اجتماعی یکی از اشکال پیشگیرانه این کنترل محسوب می‌شود. اما این روابط دقیقاً مشتمل بر چیست؟

پیشگیری وضعی که از شکست پیشگیتزی اجتماعی در اواخر دهه ۱۹۷۰ اصولاً در انگلستان به وجود آمد، مدتها به دنبال موفقیت بی‌چون و چرای بعضی برنامه‌ها، راه آینده مبارزه علیه بزهکاری معرفی شده بود.

کتاب «پیشگیری وضعی جرم، نمونه پژوهی‌های (مطالعات موردی) موفق» که زیر نظر کلارک تهیه و منتشر شده، منتخبی از بیست و دو عملیات پیشگیری وضعی که به عنوان عملیات موفق تلقی شده است، در

15. Cf. Clarke (R.V.) - ed., Situational crime prevention, successful case studies, Harrow and Heston publ. N-Y, 1992, P. 13.

دسترس قرار می‌دهد.^{۱۶} لیکن، اخیراً نظریاتی ابراز شده است که درستی و جاهت مطلق آن را زیر سؤال می‌برد و بر محدودیت چارچوب عملی و مفهومی این نوع پیشگیری تأکید می‌ورزد.^{۱۷} به همین جهت، شناسایی نقاط قوت و نقاط ضعف پیشگیری وضعی، همچون ابزار و وسیله کنترل بزهکاری، مفید به نظر می‌رسد. در واقع، تمام مسأله این است که دریابیم چطور و چگونه این شکل از پیشگیری کنترل‌کنندگی خود را به کار می‌گیرد.

این پژوهش در واقع حول دو سؤالی که در ذیل مطرح می‌شود متمرکز است:

- ۱) پیشگیری وضعی در کدام قلمرو ممکن یا در کدام زمینه‌ها مستعد کارایی و تأثیر است؟ قلمروهایی که این پیشگیری نمی‌تواند در آن اثر قابل توجهی داشته باشد کدامند؟
- ۲) در زمینه‌های مؤثر که محدوده آنها بدین ترتیب تعیین می‌شود، موفقیتها، شکستها یا، در هر حال، حدود و اندازه اعتبار پیشگیری وضعی چگونه تبیین و توجیه می‌شود؟

گفتاور نهجست

قلمرو اجرا و اعمال پیشگیری وضعی

به نظر می‌رسد که جرم‌شناسان طرفدار پیشگیری وضعی از خود سؤال نکرده‌اند که آیا پیشگیری وضعی یک قلمرو اجرایی عمومی دارد یا ممکن است تنها برای بعضی جرایم و بعضی سنخ‌های بزهکار، احتمال کارایی داشته یا حتی قابل تصور باشد. پژوهشهای تجربی این قبیل جرم‌شناسان عمدتاً درباره تعیین و تحلیل شیوه‌های پیشگیری از فرصتها و مناسبتهای ارتکاب جرم، گردآوری و طبقه‌بندی آنها در سنخ‌های مختلف

16. Clarke(R.V.), èd., op. cit. p. 37 et ss.

17. Calan (J. de), op. cit. p. 153-157

و سنجش فوایدی بوده است که از کاربرد آنها حاصل می‌شود.^{۱۸} تأملات نظری آنان عمدتاً درباره آن دسته از نظریه‌های جرم‌شناسی است که معنای توجیهی توسل به پیشگیری وضعی قرار گرفته‌اند. از مفاهیم فضای قابل دفاع «اسکار نیومن» و «طرح محیطی» جفری گرفته تا «نظریه انتخاب عقلانی» کلارک و گرنیش و نظریه‌های مختلف فرصت و مناسبت مانند «نظریه فعالیت‌های جاری» کوهن و فیلسون.^{۱۹} نهایتاً باید خاطر نشان کرد که مدافعان پیشگیری وضعی بر این اندیشه پامی فشارند که هراقدام پیشگیرنده باید برطبقات خاصی از جرایم متمرکز گردد، انگیزه‌ها و شیوه اقدام بزهکاران ممکن است، حتی برای جرایمی که مشابه هم به نظر می‌رسند، بسیار متفاوت باشد و بنابراین خود تدابیر ناظر بر حذف فرصت ارتکاب یک جرم نیز برحسب مورد باید کاملاً مختلف باشند.^{۲۰}

با این همه، تأمل عمیق‌تر درباره قلمرو کاربردی پیشگیری وضعی، این سؤال را مطرح می‌کند که آیا پیشگیری مزبور برای همه جرایم و در قبال تمام بزهکاران مناسب و شایسته است؟

الف. آیا پیشگیری وضعی برای همه جرایم قابل تصور است؟

با بررسی دقیق عملیات یا اقدامهای مختلف پیشگیری وضعی که در نوشته‌های تخصصی نقل شده است، می‌توان صرف نظر از نتایج آنها (موفقیت، شکست یا نتایج مختلط نه مثبت و نه منفی) احراز کرد که موضوع همه این تجربه‌ها، آماج‌های مادی (اشخاص یا اشیاء) و مربوط به تمام جرایم عمدی (خشونت علیه اشخاص، انواع مختلف ویران‌گری و "تقلب...") بوده است. این موضوع ما را بر آن می‌دارد که از خود سؤال کنیم آیا پیشگیری وضعی برای هر نوع آماج و نیز جرایم غیر عمدی قابل

18. Cf. Clarke (R.V.) - èd. op. cit. p. 10 et ss ; Clarke (R.V.), Article précité, p. 102 et ss.

19. Clarke (R.V.) èd. op. cit, p. 5-10

20. Clarke (R.V.), Article précité, p. 102-103.

21. Le Vandalisme

تصور است؟

۱. آماج‌ها

واژه «آماج» یا خود موضوع جرم را مشخص می‌کند یا وسیله یا یکی از وسایلی که اجازه دستیابی به این موضوع را می‌دهد. بدین ترتیب، جسم انسان «آماج- موضوع» حملات (و جرایم) علیه شخص است (قتل، ضرب و جرح، تجاوزات جنسی، خشونت)؛ همچنین اسکناسهای بانک یا دستگاه صوتی «آماج‌ها- موضوعهای» سرقت، برحسب اینکه سرقت متوجه پول باشد یا شیئی منقول، محسوب می‌شود. از سوی دیگر، گاوصندوقی که پول مورد نظر در آن محفوظ است، «آماج- وسیله» محسوب می‌گردد، که شکستن آن اجازه تصاحب پول مورد نظر را در سرقت توأم با شکستن حرز می‌دهد؛ همچنین شخص حامل کیف پول یا اوراق بهادار زمانی که مباشر حمله در معبر عمومی، با هدف تصاحب محتوای کیف، به وی تنه می‌زند و او را نقش بر زمین می‌کند، در واقع به «آماج- وسیله» تبدیل می‌شود.

«آماج‌ها- موضوع‌ها» یا حتی وسایل، از جهتی که منظور نظر ما است، به دو گروه عمده تقسیم می‌گردد: آماج‌های مادی مانند پول یا جسم اشخاص و آماج‌های فکری یا معنوی که طیف متنوعی را شامل می‌شود از قبیل کرامت یک شخص، خلوت (محرمیت) زندگی خصوصی او، حیثیت او یا در مقوله‌ای کاملاً متفاوت، مانند اطلاعات، آفرینش‌های فکری ... و غیره.

تردیدی نیست که پیشگیری وضعی ممکن است درباره آماج‌های مادی مختلف به اجرا درآید مشروط بر این که با هر نوع از آماج‌ها، همان‌طور که کلارک معتقد است،^{۲۲} انطباق داده شود. در عوض، به دشواری قابل تصور است که چگونه آماج‌های غیرمادی مانند حیثیت یا شهرت یا اطلاعات یا آفرینش فکری بتواند موضوع اقدام‌های خاص پیشگیری وضعی واقع شوند.

22. Clarke (R.V.), Article précité, p. 103- 102.

غیر از این هم نمی‌تواند باشد، مگر وقتی که برای دستیابی به «آماج- موضوع» غیرمادی باید - یا می‌توان - از طریق یک «آماج- وسیله مادی» عبور کرد. برای مثال می‌توان مورد اطلاعات کامپیوتری را که برای تصاحب آنها باید از سخت افزار استفاده کرد یا مورد خلوت (محرمیت) زندگی خصوصی افراد را که برای دستیابی به آن باید به دستگاههای صدا بردار یا تصویر بردار توسل جست ذکر کرد. وضع مقررات برای دسترسی به این وسایل یا استفاده از آنها یک اقدام اولیه پیشگیری وضعی محسوب خواهد شد. بزه دیده بالقوه می‌تواند حتی با اتخاذ تدابیر پیشگیری ثانویه خود را حفظ کند. به عنوان مثال محافظت از خلوت زندگی خصوصی در برابر نگاههای نامحرم و دیدزدن مزاحم با بستن درهای حفاظ پنجره ها.

لیکن توسل به وسایل مادی به منظور ارتکاب جرایم غیرمادی همواره ضروری نیست. در این مورد می‌توان، به عنوان مثال، جرایم ناشی از افشاء مانند فاش کردن اسرار حرفه‌ای و شغلی را متذکر شد. به نظر می‌رسد که در چنین فرضهایی، پیشگیری وضعی قابل تصور نباشد.

۲. جرایم غیر عمدی

مسأله جرایم غیر عمدی، و به ویژه جرایم ناشی از بی احتیاطی، اندکی متفاوت از مسائل گذشته مطرح می‌شود، لیکن در عین حال بیانگر محدود بودن وسایل و ابزارهای پیشگیری وضعی است.

پیشگیری - کم یا بیش مؤثر - از تصادفات رانندگی و قتلها و ضرب و جرح‌های ناشی از بی احتیاطی در قالب اقدامهای اولیه پیشگیری، از قبیل بهبود شبکه راهها، بهبود علائم راهنمایی و رانندگی، محدود کردن سرعت خودروها یا وضع مقررات دقیق با هدف بهبود بخشیدن به ایمنی خودروها، همواره ممکن است. اما آیا می‌توان در قبال خطاهای بی احتیاطی نیز تدابیر ثانویه پیشگیری وضعی، یعنی اقدام‌هایی که قابلیت فردی کردن داشته باشد، همانطور که برای جلوگیری از سرقت منازل نصب

دستگاه هشداردهنده در خانه‌ها ممکن است، اتخاذ کرد؟ مشکل در واقع ناشی از رابطه تنگاتنگی است که به اعتقاد نظریه پردازان پیشگیری وضعی، بین این نوع پیشگیری و نظریه انتخاب عقلانی و منطقی بزهکاران وجود دارد. انتخاب عقلانی مستلزم عمل ارادی بزهکاران است که به سمت یک هدف مجرمانه متمایل باشد.

حال آنکه، اصولاً در جرم ناشی از بی احتیاطی، اراده مفقود است، یا دست کم هرگز به دنبال تحقق نتیجه مجرمانه نیست. حتی زمانی که خطای ناشی از بی احتیاطی همراه با عمد باشد: مانند راننده اتومبیلی که مرتباً با سرعت بیش از حد مجاز حرکت می‌کند. به طریق اولی، هنگامی که تصادف، ناشی از یک خطای ساده بر اثر بی توجهی باشد، نیز این موضوع صادق است. در این مورد، همه رانندگان تجربه مشابهی را به هنگام رانندگی کسب می‌کنند: با رعایت دقیق مقررات راهنمایی و رانندگی، می‌توانند از ارتکاب خطا اجتناب کنند، لیکن هرگز نمی‌توانند مطمئن باشند که راننده‌ای که از مقابل یا به دنبال آنان می‌آید یا از آنان سبقت می‌گیرد، مرتکب بی احتیاطی شومی که موجب تصادف و ضرب و جرح یا مرگ خواهد شد نمی‌شود. در واقع، تنها وسیله‌ای که راننده در اختیار دارد تا در معرض بی احتیاطی‌های دیگری در جاده‌ها واقع نشود، این است که در خانه‌اش بنشیند. آیا باز هم می‌توان در اینجا سخن از پیشگیری وضعی ثانویه راند؟

ب. آیا پیشگیری وضعی در قبال همه بزهکاران ممکن است؟

رابطه نزدیکی که پیشگیری وضعی را به نظریه انتخاب عقلانی و منطقی پیوند می‌دهد بر این مبنا است که همه بزهکاران، زمانی که می‌خواهند مرتکب عمل مجرمانه شوند و در برابر یک «وضعیت

پیشگیری»^{۳۳} تصمیم می‌گیرند که طرح مجرمانه خود را ادامه بدهند، با این کار در واقع دست به یک انتخاب عقلانی هرچند محدود زده‌اند. بنابراین باید فرض کرد: ۱) که انتخاب عقلانی همواره وجود دارد؛ ۲) و ضمناً این انتخاب، انتخابی کوتاه‌مدت است؛ زیرا با یک اقدام پیشگیری وضعی مؤثر، عقب می‌نشیند. این نظریه علی‌رغم بازگشت به اندیشه انتخاب که خود به اندیشه آزادی انسان ارجاع می‌دهد، در واقع بسیار نزدیک به رویکردی رفتارگرا است.

البته پژوهش‌های تجربی مختلف به اثبات این موضوع کمک می‌کنند که سهمی از عقلانیت در محاسبه کوتاه‌مدت شماری از بزهکاران حتی در جرایمی چون کودک دوستی (بچه دوستی) که انتظار داریم بیشتر دارای انگیزه‌های بسیار غیرعقلانی باشد، وجود دارد.^{۳۴} اما آیا این موضوع درباره همه بزهکاران صادق است؟ به نظر می‌رسد که دو دسته بزهکار به دلایلی مخالف هم، مشمول آن نشوند: بزهکاران نابخرد و بزهکاران بس‌خردمند.

۱. بزهکاران نابخرد

برای قائل است که اگر پیشگیری وضعی بتواند نسبت به ۷۰٪

۳۳. J. de Calan در مقاله پیشین (صفحه ۱۲۵) معتقد است که به جای «پیشگیری وضعی» بهتر است از «وضعیت پیشگیری» سخن گفت، در این معنا که آماج‌های بالقوه (اموال، ساختمانها، اشخاص) خود را به کلیه تجهیزات ضروری برای حفاظت از خود در مقابل مجرم احتمالی مجهز می‌کنند یا مجهز به این تجهیزات هستند و در این امر کل خطرهای مربوط به یک وضعیت مشخص، مورد توجه قرار گرفته است.

۳۴. درباره تحلیل فعالیت‌های مربوط به کودک دوستی (بچه دوستی) در قالب انتخاب عقلانی رک:

Prouex (J.) , Ouimet (M) et Lachaine (N) , Criminologie de l'acte de pédophilie, Revue internationale de Criminologie et de police Technique, n° 3, 1995, pp. 294- 310

لیکن نویسندگان دیگری به جای «عقلانیت» از عقلانی و منطقی کردن عمل خود به وسیله کودک دوستی صحبت می‌کنند. رک:

Dufour - Gompers (R), Dictionnaire de la Violence et du Crime, éd. Erès, 1992, p. 252.

جرایم شناخته شده، قابل اعمال باشد، در عوض در مقابل جرایم خشونت‌آمیز متعددی، همچون تجاوز به عنف، خشونت در خانواده، جرایم اطفال، جرایم نژادپرستانه و کلیه جرایمی که تحت تأثیر یک «غلیان»^{۲۵} به وقوع می‌پیوندد، مؤثر نخواهد بود.

گرچه این پیشنهاد، با توجه به خصیصه بسیار کلی آن، نمی‌تواند دقیق باشد (بعضی از جرایم مذکور در پاره‌ای موارد، ممکن است موضوع اقدامهای مناسب پیشگیری وضعی واقع شود)، ولی این شایستگی را دارد که توجه ما را به تنوع انگیزه‌های بزهکاران جلب می‌کند. بزهکاران بیمار روانی، بزهکاران نابهنجار روانی و بزهکاران کودن ذهنی و دژمنش (که تعداد آنان در میان بزهکاران شناخته شده زیاد است) با طرح نمونه بزهکار، آن طور که در نظریه «انتخاب عقلانی یا بخردانه» توصیف شده است، منطبق و مرتبط نیست؛ رفتار مجرمانه آنان، در حد زیادی، غیرعقلانی است. حال آنکه، تدابیر پیشگیری وضعی معمولاً، با توجه به آنچه پیشاپیش تصور می‌شود که عقلاً اوضاعی را فراهم می‌سازد که گذار به عمل مجرمانه را میسر یا مساعد می‌کند، بناشده و سازمان داده می‌شود. بدین سان، در این تدابیر وضعیتهای ماقبل بزهکاری که خیلی قابل پیش بینی نیستند، مانند گروگان‌گیری دانش‌آموزان یک کلاس «به وسیله بمب انسانی» در نوئی (واقع در حومه پاریس) در ۱۹۹۴ یا کشتار اخیر کودکان یک مهدکودک در اسکاتلند همزمان با خودکشی جانی معمولاً در نظر گرفته نمی‌شود.

به بزهکاران نابهنجار یا بیماران روانی اعمال مجرمانه کسانی را هم که بزهکاران اتفاقی محض یا «شبه بزهکاران» می‌نامند و در حالت دفاع مشروع یا در حالت اضطرار^{۲۶} مرتکب قتل یا ضرب و جرح می‌گردند

25. Bright (J) Crime prevention: The British prevention, in k. Stenson et D. Cowell (eds), The politics of crime control, Sage London, 1991, chap. 3, p. 63-85.

26. Cf. Pinatel (J) Bouzat (p), Traité de droit pénal et de Criminologie T.III., Criminologie, 3 è édition, 1975, NO 226.

نیز باید افزود. واکنش هیجانی آنان غیرعقلانی است. چنین وضعیتهایی را نیز نمی‌توان پیشاپیش مشخص کرد و بنابراین ممکن نیست موضوع تدابیر پیشگیری وضعی واقع شوند.

۲. بزهکاران بس‌خر دمند

کارایی اقدامهای پیشگیری وضعی بر این فرض است که وقتی یک بزهکار بالقوه برای بار اول با مانعی که اقدام‌های مذکور بوجود می‌آورد مواجه شد و به این جهت از گذار به عمل مجرمانه منصرف گردید، در آینده نیز هر بار که به همین نوع اقدام‌های پیشگیرنده برخورد کرد، واکنش مشابهی از خود نشان خواهد داد.^{۲۷} در صورتی که، رفتار شماری از بزهکاران حرفه‌ای که انتخاب‌های آنان در طول زمان انجام می‌پذیرد، مصداق این مورد نیست. در واقع وقتی این قبیل بزهکاران برای بار اول با یک مانع جدی روبرو می‌شوند، در آن صورت تلاش می‌کنند تا در آینده از آن عبور نمایند، به طوری که بین بزهکاران و بزه‌دیدگان بالقوه، بین فنون پیش از پیش پیچیده ارتکاب جرم و شیوه‌های پیشگیری وضعی که پیش از پیش مؤثر تلقی می‌شوند نوعی کشاکش (رقابت) برقرار می‌گردد که سرانجام آن قابل پیش‌بینی نیست.

خارج از قلمرو بزهکاری حرفه‌ای، پدیده مشابهی را برای بعضی جرایم افراد «هوس‌کار» یا ذوقی [غیرحرفه‌ای] از قبیل سرقت‌های خودرو می‌توان مشاهده کرد. پخش سریع وسایل خنثی کردن و غلبه بر اقدامهای پیشگیری^{۲۸} در محیط بزهکاران کوچک، صاحبان و سازندگان خودروها را وادار می‌کند تا تجهیزات جدید کامل‌تر و مؤثرتری بر روی آنها نصب کنند. بنابراین می‌توان سرانجام گفت که با یک «نظریه میان‌برد»^{۲۹}

۲۷. این یک تصور رفتاری است که در چشم انداز خرد کردن زندگی روانی قرار می‌گیرد.

۲۸. این آن چیزی است که دویدمتز از آن تحت عنوان «تهیه و تدارک» (Préparation) یاد می‌کند.

سروکار داریم و نه با یک نظریه تام (و قابل تسری به کلیه بزهکاران). باری حتی هنگامی که بزهکاران بر تدابیر پیشگیری وضعی موجود غلبه نمی کنند، جا دارد که پدیده جابجایی بزهکاری یا انتقال آن که در قلمرو (میزان) کارایی پیشگیری وضعی قرار می گیرد، مورد توجه واقع شود.

گفتار دوم

کارایی پیشگیری وضعی

نخستین پژوهشهای سنجشی درباره پیشگیری وضعی حاکی از آن است که توسل به این نوع پیشگیری، بیشتر جابجا کردن بزهکاری در مکان یا در زمان یا در ماهیت جرایم ارتكابی بوده است تا کاهش بزهکاری.^{۳۰} امروزه، طرفداران پیشگیری وضعی معتقدند که اگر تلاش لازم برای ارتكاب (موفقیت آمیز) جرم یا خطری که بزهکار با آن مواجه می شود، به دنبال اعمال اقدام های پیشگیری وضعی، بیشتر از گذشته باشد، در آن صورت پدیده انتقال بزهکاری اجتناب ناپذیر نیست. حتی بعضی از نویسندگان، همچون کلارک، مفهوم جدیدی چون اندیشه پخش یا گسترش منافع را وضع کرده اند که در جهت توسعه پیشگیری وضعی است. به موجب این بینش، بعضی تدابیر پیشگیری وضعی، نه فقط انتقالهای ناخواسته بزهکاری را بر نمی انگیزد، بلکه ممکن است این قابلیت را داشته باشد که جرایم دیگری را غیر از آنهایی که هدف اقدام پیشگیرانه

30. Repetto (A)., Crime prevention and the displacement phenomenon, crime and delinquency April 1976, p. 166- 177.

در مورد سنجش و ارزیابی کارایی گشت های پیشگیرانه پلیس برای مثال رک: Police Foundation, The kansas city Preventive Patrol experiment : a Summary report, par G.L. Kelling et al., Washington D.C., 1974, 50 P; Schnelle (J.F.) et al., Patrol evaluation research: a multiple - baseline analyses of saturation patrolling during day and night hours, Journal of applied behaviour analyses, 1977, n01., p. 147-157.

بوده است، کاهش دهد.^{۳۱}

هدف ما در اینجا تشکیک این نتایج نیست، زیرا از پژوهشهای تجربی ای بدست آمده که با استفاده از یک روش شناسی دقیق انجام شده و یافته های بدست آمده نیز موضوع تفسیری صحیح واقع شده است. معذک، اقدامهای پیشگیری وضعی هرگز به طور صددرصد مؤثر واقع نمی شود و به نظر می رسد که کارایی آنها، کم یا بیش سریع، با گذشت زمان از بین می رود و پدیده جابجایی بزهکاری در موارد زیادی واقعیت دارد. در برابر چنین محدودیتهایی، دو پرسش اساسی به این شرح مطرح می شود: آیا بینش وضع ماقبل بزهکاری که نظریه پیشگیری وضعی از آن نشأت می گیرد رضایت بخش است؟ آیا نظریه کارایی کنترل اجتماعی که پیشگیری وضعی بر آن استوار است درست است؟

الف. آیا بینش وضعیت ماقبل بزهکاری رضایت بخش است؟

چه از تعریفی که نظریه پردازان پیشگیری وضعی از آن بدست داده اند و چه از تحلیل اقدامهای عینی پیشگیری وضعی که در نوشته های تخصصی ارائه شده است، چنین برمی آید که در نظریه پیشگیری وضعی، وضعیت ماقبل بزهکاری محدود می شود به اوضاع و احوالی که گذار از اندیشه به عمل مجرمانه را ممکن می سازد. واژه فرصت (آکازیون) به درستی این تصور را بیان می کند.

محل تردید نیست که وجود چنین اوضاع و احوالی در گذار از اندیشه به عمل تعیین کننده است. طرح و نقشه مجرمانه، بدون وجود کمترین زمینه مساعد، در همان حالت نقشه مجرمانه باقی خواهد ماند. در نظریه پیشگیری وضعی دو جنبه مهم وضعیت ماقبل بزهکاری نادیده گرفته شده است، در حالی که توجه به آنها، به منظور درک پویایی گذار از اندیشه به عمل مجرمانه، اساسی است.

نخستین جنبه که به حساب نیامده، واقعه (یا سلسله وقایعی) است

31. Clarke (R.V.), éd., préctié, p. 22-26; Clarke (R.V.), Articl préctié, p. 108-110.

که شکل‌گیری و پیدایش طرح و نقشه مجرمانه را در وجدان روانی (ذهن) بزهکار موجب شده است. تحلیل مفهوم وضع ماقبل بزهکاری در واقع نشان می‌دهد که این وضع در کلیت آن، مرکب از دو عنصر تشکیل دهنده است: عنصر نخست: حدوث یک واقعه یا توالی وقایع که موجب ظهور طرح مجرمانه در ضمیر بزهکار می‌شود و به او انگیزه می‌دهد؛ عنصر دوم: اوضاع و احوال به اجرا درآوردن طرح مجرمانه یعنی اعمالی که بزهکار آینده، کم یا پیش، به دنبال آنها است و او را قادر به تحقق بخشیدن طرح مجرمانه خود می‌کند.^{۳۳}

واقعه مجرمانه اصلی و اوضاع و احوالی که تحقق طرح مجرمانه را ممکن می‌سازد، بی‌تردید نقش یکسانی بر حسب موارد مختلف ایفاء نمی‌کند. برای بعضی جرایم، مسلماً اوضاع و احوال نقش عمده را ایفا می‌کند؛ در این صورت واقعه اصلی وجود ندارد یا ناچیز است. لیکن در سایر موارد، واقعه اصلی تعیین کننده است، و در این صورت اگر کمترین زمینه مساعد وجود داشته باشد، گذار از اندیشه به عمل محقق خواهد شد؛ مثال: جنایت «شورمندانه یا عشقی». براین اساس یک سنخ‌شناسی چهارعنصری از وضعیتهای ماقبل بزهکاری تهیه کرده‌ایم که در جدول زیر خلاصه شده است:^{۳۳}

| واقعه کم‌اهمیت یا فقدان واقعه | واقعه اصلی معنی‌دار | واقعه سازمان یافته |
|-------------------------------|---------------------|--|
| | | اوضاع و احوال |
| ج | الف | اوضاع و احوال مساعد برای به اجرا در آوردن |
| د | ب | اوضاع و احوال کم‌مساعد یا مقفود برای به اجرا درآوردن |

۳۲. درباره این نکات رک:

Gassin (R), *Criminologie*, Dalloz, 3^e éd. 1994

33. Gassin (R), *Criminologie précitée*, N° 508

بنابراین نمی‌توانیم، برای تهیه و تنظیم و سنجش اقدام‌های پیشگیری وضعی، نقش احتمالی واقعه اصلی را کاملاً نادیده بگیریم.

دومین جنبه وضعیت ماقبل بزهکاری که نظریه پیشگیری وضعی آن را نادیده می‌گیرد، جنبه ذهنی و شخصی است.^۳ یک وضعیت ماقبل بزهکاری، هر اندازه عینی باشد، فاعل همواره آن را به سبک خود درک و احساس می‌کند. توماس در این باره معتقد است که «انسان‌ها وقتی بعضی وضعیت‌ها را به عنوان واقعی تلقی می‌کنند، این وضعیت‌ها در نتایجشان واقعی‌اند». بی‌تردید این جنبه ذهنی است که بیان می‌کند که اگرچه اقدام‌های مناسب و بجای پیشگیری وضعی، بزهکاری را کاهش می‌دهد، لیکن هرگز تأثیر بازدارنده کامل ندارد. بخشی از بزهکاری که کماکان به وقوع می‌پیوندد، مطمئناً چنین توجیه می‌شود که مباشران این اعمال، اقدام‌های پیشگیری را به عنوان اقدام‌هایی که به اندازه کافی بازدارنده باشد درک و احساس نکرده‌اند. بنابراین، به نظر می‌رسد که اندیشه وجود یک «انسان مجرم» عینی که همواره برحسب عقلانیت نامتغیر تصمیم می‌گیرد تا اندازه‌ای اشتباه است.

ب. آیا نظریه کارایی کنترل اجتماعی که پیشگیری وضعی بر آن مبتنی است درست است؟

بررسی مطالعات راجع به اساس کارایی کنترل اجتماعی نشان می‌دهد که نویسندگان، در مجموع، به دو مکتب بزرگ تقسیم می‌شوند: مکتب کنترل بیرونی و نظریه‌های مشهور به کنترل درونی.

از نظر نخستین مکتب که در عین حال مکتب شعور عامه و مکتب بعضی جامعه‌شناسان است، کنترلی که جامعه نسبت به اعضاء خود اعمال می‌کند، برمی‌گردد به تسلط و نفوذی که جامعه از طریق نظام ضمانت‌های اجرایی اجتماعی بر آنان دارد.

فرد حساس، هوشمند و آینده‌نگر، رفتار و سلوک خود را، تحت

فشار تهدید ضمانت‌های اجرایی اجتماعی و اعمال آنها در صورت انحراف، با انتظارات هموعان خود سازگار می‌کند. بنابراین موضوع عبارت است از یک نوع جبریت محیطی سخت. برعکس، برای نظریه‌های (مکتب) دوم که همزمان از نظریه‌های «تربیت اخلاقی» دورکیم و فروید تغذیه می‌شوند، سلوک و رفتار انسانی، به طور غیرارادی و انحصاری، با اجبارهای محیط خارجی طبیعی یا اجتماعی تنظیم نمی‌شود. هم‌نوايي انسان با انتظارات دیگران مستلزم تطبیق درونی قواعد سلوک و رفتاری است که از طریق تربیت، به وسیله پدیده همانند سازی با مدل‌های مشترک کلیه اعضاء جامعه، آموزش داده می‌شود. بنابراین اگر اجبار وجود داشته باشد، یک اجبار درونی است که تأثیر آن تا اندازه‌ای نامعلوم و اتفاقی است، و آن به دلیل وجود تنش دائمی بین سوانق مقاوم در برابر هر نوع کنترل که به دنبال ارضاء خود به هر ترتیب است و اقتضائات همانند سازی که مشی هم‌نوايي کم یا بیش پیچیده و با اثر طولانی تر را القاء می‌کند.

امروزه، این تحلیل دوم معمولاً سازگارتر با واقعیت روانی-اجتماعی تلقی می‌شود.³⁵ همان‌گونه که بودن و بوریکو با توجه به سه نوع داده نشان داده‌اند، طرح جبرمدار نظریه کنترل بیرونی، که از ترکیب جبریت اکید محیطی با روان‌شناختی‌گرایی³⁶ شدیداً فایده‌گرا ناشی می‌شود، به طور قابل ملاحظه‌ای ناکافی است. در وهله اول، محرک‌های بیرونی غالباً مبهم‌اند، زیرا همان‌گونه که نشان داده شده است یک پیش‌آمد ممکن است گاه یک نتیجه مساعد، گاه یک نتیجه نامساعد را نوید دهد و گاه هیچ نتیجه پیش‌بینی شده یا قابل پیش‌بینی در پی نداشته باشد. در وهله دوم، فرد به نوعی توانایی تحقیق برای کسب آگاهی و بنابراین به نوعی توانایی پیش‌بینی و حدس مجهز است، به حدی که می‌تواند مداخله کند و با مداخله خود جریان پیش‌آمدها را دگرگون کند. سرانجام در وهله سوم، مراتب انتخاب و گزینش فرد یک بار برای ابد تعیین نشده است؛ به

35. Cf. Boudon (R) et Borricaud, Dictionnaire critique, précité, p. 120- 122; Cusson (M), le contrôle social du crime, précité., p. 21.

36. Psychologisme

همین دلیل می‌تواند با بعضی احتمالات که در آغاز آنها را به عنوان اتفاقات غیر قابل قبول شناخته و رد کرده بوده است، راضی شود و حتی می‌تواند آنها را به مناسبت استفاده و در عمل مفیدتر بیندارد.

بنابراین فقط ممکن است تعداد محدودی ضمانت اجرای مطلق که به تنهایی و در همه اوضاع و احوال نفیاً و اثباتاً مؤثراند، وجود داشته باشد، به طوری که اگر هم‌نوایی رفتار فردی با قوانین جامعه و قوانین طبیعت فقط با چنین ضمانتهای اجرایی تضمین می‌شد، این هم‌نوایی جزئی و ناپایدار می‌بود.^{۳۷}

باری، جای تعجب است که نظریه پیشگیری وضعی کاملاً در افق بینش بیرونی کنترل اجتماعی قرار می‌گیرد. این نظریه جایگاه عمده‌ای به تکنولوژی و پیشرفت‌های آن در پیشگیری از بزهکاری اختصاص می‌دهد.^{۳۸} و بدین ترتیب، به نوعی جبرباوری شبه طبیعی که ادعای تشکیل یک «جامعه دژواره» را مشروع می‌سازد ارجاع می‌دهد.^{۳۹} از سوی دیگر، اگرچه به نظر می‌رسد که این نظریه با طرح نظریه «انتخاب عقلانی»، آزادی انسان را پذیرفته و از آن دفاع می‌کند، لیکن این آزادی بی‌درنگ تحت تأثیر فشار بیرونی تقریباً شبه مکانیکی، ناشی از اقدام‌های پیشگیری وضعی، خنثی شده به نظر می‌آید. این امر دور از اعتباربخشیدن به اندیشه کنترل (جامعه) از نوع کنترل «برادر بزرگ»^{۴۰} نیست که از طریق آن، حرکات و اغز نه اندیشه‌های هرکس، با تجهیزات قوی مراقبت الکترونیکی که با سیستم‌های مکانیکی یا با دیگر سیستم‌های بازدارندگی هدایت می‌شود، شناسایی می‌گردد. این خود یکی از

37. Cf. Boudon et Bourricaud, précités, p. 121.

38. Cf. Clarke, Article précité, p. 110-111

39. Cf. de Calan, Article précité, p. 153.

۴۰. اورول، نویسنده انگلیسی در کتاب خود از «برادر بزرگ» به عنوان شخصی بانفوذ و پر قدرت که در تمامی شئون زندگی افراد و جامعه حضور همه جانبه و نامرئی دارد یاد می‌کند. او کسی است که به سادگی حق همه گونه تصمیم‌گیری، حتی در مورد زندگی خصوصی افراد و نظارت بر آنها را به خود اختصاص می‌دهد. م.

تناقض‌های ترکیب نظریه انتخاب عقلانی با پیشگیری وضعی است که، برای رها ساختن جرم‌شناسی از جبر درونی، منتسب به نظریه‌های مربوط به استعداد جسمانی-روانی "مجرمانه"، آن را، به نام آزادی در انتخاب نوع رفتار، به سمت جبر بیرونی که بیشتر محتوم است سوق داده است.

نتیجه‌گیری

بنابراین آنچه گفته شد به نظر می‌رسد که روابط میان پیشگیری وضعی و کنترل بزهکاری، روابط پیچیده باشد. هرچند که پیشگیری وضعی اثر کنترل‌کننده حتمی، و بعضی اوقات، بسیار گسترده دارد، مع ذلک، این تأثیر مطلق نیست. نه تنها بعضی جرایم، کلاً یا جزئاً، از قلمرو تأثیر آن خارج است و پاره‌ای بزهکاران نمی‌توانند مشمول پیش‌بینی‌های بازدارنده آن واقع شوند، بلکه در قلمرو اجرا نیز، سلاح بازدارنده شکست‌ناپذیری که بعضی نویسندگان مدعی‌اند، به نظر نمی‌رسد.

به نظر می‌رسد که تبیین این محدودیتها باید در تحلیل ناقص مفهوم وضعیت ماقبل بزهکاری و نیز به ویژه در اعتقاد نادرست به خصیصه مکانیکی کنترل اجتماعی جستجو شود. نقش «فشار درونی شده»^۲ به وسیله فرد (از نظر روانی) یک جنبه عمده از این کنترل است که پیشگیری وضعی از آن بی‌خبر است. در این خصوص، پیشگیری اجتماعی، حتی اگر کارایی آن در روزگار ما به لحاظ فزونی تأثیر رشته برنامه‌های تربیتی برخلاف معمول یا «عوامل تربیتی متقابل»^۳ (مانند فروپاشی واحد خانواده اصلی، آثار منحرف‌کننده رسانه‌ها و نیز پدیده‌هایی همچون اهمال نهاد مدرسه در انجام رسالت پرورشی خود و پرداختن به آموزش صرف) محدود شده باشد، غیرقابل جانشین است. نظریه پیشگیری وضعی در واقع بیانگر بینشی بسیار بدبینانه از دنیای معاصر است که در آن، تنها اجبار «بیرونی» قادر به کنترل رفتارهای منحرفانه افراد، در موقعیت اجتماعی کنونی، خواهد بود.

41. Dispositional Theories. مراد نظریه‌های زیست‌شناختی و روان‌شناختی در جرم‌شناسی است.

42. La contrainte intériorisée. مواد عوامل ضدتربیت است.

43. Contre - éductions